روش تجدد در فارسی

افشار، ایرج

صاف نمود آیا از آنکه دارد باید گرفت تا با نادار مساوی گردد،یا باید وسائلی فراهم نمود که گدا نیز دارا شود،و راههای آن کدام است؟ما فعلا باین شعر حکیمانه حافظ ختم میکنیم و رشته مطلب را بدست‏ دانشمندان میسپاریم:

«ساقی بجام عدل بده باده تا گدا» «غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند!»

سه مقاله تاکنون در این خصوص رسیده که دوتای آنرا آقایان‏ صالح و نریمان،وزراء فاضل کابینه فعلی نگاشته‏اند،و سومی بقلم‏ نویسنده متفکر آقای آموزگار،مستشار دیوان کشور میباشد.چقدر جای خوشوقتی است که رجال مملکت که در حکم پزشکان در خدمت هستند،نیز متوجه این درد بزرک اجتماعی شده‏اند.امید است‏ بتوانیم در مجله آینده با همفکری دانشمندان راه‏حلی برای مسئله بیابیم.

3 روش تجدید در فارسی

موضوع سوم اقتراح اینست که«روش تجدید در زبان و ادبیات‏ فارسی چون بوده و چگونه باید باشد؟»

در زمان شاه سابق که رجال آن دوره با نداشتن هیچگونه صلاحیتی‏ خود را صالح برای هر امری میدانستند بفکر«اصلاح»زبان فارسی هم‏ افتادند.کمسیونهای لغت‏سازی و بالاخره فرهگستان درست شد که‏ ما نمیخواهیم داخل در بحث آن شویم.همینقدر میگوئیم صدها و شاید هزار ها لغت نو و کهنه بجریان افتاد که همه در حقیقت«رسمی»بود.

اشخاص هم پیش خود لغت‏سازی میکردند که ان لغات را باید«غیر رسمی»نامید.

خلاصه هرج و مرج ادبی غریبی حکمفرما بود.در همان ایام‏ آقای تقیزاده از فرنگستان مقاله‏ای در آن خصوص برای یکی از جراید طهران فرستاده بودند که اشاره به«مداخله شمشیر در کار قلم»و نکوهش از آن بود.همینکه نیمی از آن مقاله منتشر شد،انتشار نیم‏ دیگر را مامورین دولت منع و اوراق منتشر شده را نیز جمع کردند. البته در آن موقع کسی نمیتوانست در آن خصوص چیزی بگوید و یا بنویسد.ولی امروز خوشبختانه آزادی قلم داریم و باید کلیه مسائل گذشته‏ و حاضر و آینده را مورد بحث و انتقاد قرار دهیم.

مسلما این موضوع هم از مهمترین مسائل ادبی و ملی ایران است. ما حتی نباید یک نکته بسیار مهم را هم فراموش کنیم که زبان فارسی‏ تنها متعلق بایران نیست بلکه در افغانستان و تاجیکستان هم زبان بومی‏ و ملی میباشد.

قلمرو زبان فارسی وسیعتر از کشور ایران است و خود دارای‏ وحدتیست قابل ستایش و بهیچ قیمت ما و آنها هیچکدام نباید راضی شویم‏ رشته یکانگی زبان که ما را بهم پیوسته است گسسته شود.از قدیم‏ گفته‏اند:

«گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند» «نگاه دار سر رشته تا نگه دارد»

مدتها پیش نگارنده بخواهش انجمن ادبی کابل مقاله‏ای نوشتم که‏ در«مجله کابل»درج شده است.از طرف انجمن نامبرده شرحی در دنباله مقاله من نوشته شده بود که در حقیقت اعتراض بعوض کردن کلمات زبان فارسی بدون مطالعه در ایران بود.و حق داشتند،زیرا این‏ زبان میان ما و آنها مشترک است و حق نداریم بچیز مشترکی تخطی نمائیم.من‏ موقعی دیگر اگر در مجله مجالی باشد بسوی این مطلب بازگشت میکنم.

خلاصه،مقصود آنکه مسئله تجدد در زبان و ادبیات فارسی کنونی از مسائل بسیار مهم است،و برای آنکه میدان بحث و جستجو وسیعتر باشد،چگونگی گذشته آنرا نیز مورد بحث قرار دادیم.

زبان ما که پس از عرب باین صورت«فارسی»درآمده مکرر مورد تحول‏ و تجدد واقع شده است.در آن زمانها بچه کیفیت و روش آن تحول و تجدید صورت گرفته است؟حق این است که در این موضوع بسیار مهم‏ ادبای بزرک امروز شرکت نمایند.

این دیگر یک مطلب سیاسی و اجتماعی مثل دو موضوع‏ دیگر نیست که ورود در آن شهامت زیاد خواسته باشد.معتقدم اگر بزرگان ادب با فرصتیکه دست داده و مجله آینده با نهایت اشتیاق اوراق‏ خود را برای درج افکار و عقاید آنان باز نموده است،اظهار نظر خود را دریغ دارند حقا که در اداء وظیفه و هدایت براه راست امساک‏ نموده‏اند.

دکتر افشار

گره کار و گشایش آن

چو بر رشته کاری افتد گره‏ شکیبائی از رنج بهوده به‏ همه کارها از فرو بستگی‏ گشاید و لیکن بآهستگی‏ فرو بستن کار در ره بود گشایش در آن نیز ناگه بود.